



ابتلا

قرار دادن انسان ها در بستر حوادث تکوینی و تشریحی برای رسیدن به کمال لایق.

ابتلاء از ماده بلا تَبَلُّوا و به قولی از تَبَلَّی مشتق است. بنابر وجه اول به معنای خبر گرفتن، تحصیل اطلاع نافذ (التحقیق، ج 9، ص 23) و علم به کُنه و حقیقت شیء (معجم الفروق اللغویه، ص 10) و معادل آزمایش و امتحان در زبان فارسی است، و بنابر وجه دوم به معنای پوسیده و کهنه شدن آمده است (العین، ج 8، ص 339؛ معجم مقاییس اللغة، ج 1، ص 292؛ مجمع البحرین، ج 1، ص 247-249). برخی خواسته اند یکی از دو معنا را به دیگری برگردانند (مفردات راغب، ص 145؛ لسان العرب، ج 14، ص 83) و برخی در جست و جوی اصل واحد دیگری برآمده اند مثل: شناسایی حال فرد در طاعت و گناه با تحمیل مشقّت بر او (معجم الفروق اللغویه، ص 139 و 105)، آشکار ساختن باطن فرد (مجمع البیان، ج 3، ص 417)، ایجاد تحول و دگرگونی برای تحصیل نتیجه مطلوب (التحقیق، ج 1، ص 362)، و نقل چیزی از وضع و حالی به وضع و حال دیگر (المیزان، ج 20، ص 132).

واژه ابتلاء با الفاظی چون فتنه، امتحان و تمحیص که در قرآن نیز به کار رفته اند مترادف و یا قریب المعناست. فتنه شدیدترین نوع امتحان است (معجم الفروق اللغویه، ص 396-397) و امتحان به معنای تصفیه و خالص کردن، آزمایش و واقع کردن در محنت و سختی است (المعجم الوسیط، ص 856) و تمحیص یعنی تطهیر، پاک شدن و عاری شدن از عیب (لسان العرب، ج 7، ص 90؛ و نیز مفردات، النهایة ومقاییس ذیل ماده).

در تعاریفی که دانشمندان مسلمان برای ابتلاء ارائه کرده اند معنای لغوی واژه ملحوظ است مثل آشکار سازی مقدرات انسان و بروز دادن دارایی های بالقوه با نشانه های ظهور بخش و حوادث و تکالیف فعلیت بخش به قصد ترتب ثواب و عقاب (تفسیر ملاصدرا، سوره سجده و حدید، ص 264) و یا: شکوفاسازی استعدادها بالقوه سعادت ساز یا شقاوت بار انسان به کمک اوامر و نواهی الهی و حوادث فردی و اجتماعی (المیزان، ج 4، ص 36).

واژه بلی و مشتقات آن با 26 گونه استعمال، 38 بار در 25 سوره قرآن ذکر شده که در این میان، ابتلاء و سایر صور آن از باب افتعال، ده بار به چشم می خورد، و بیشترین تکرار مربوط به واژه بلاء با 6 مورد است. مفسرین این واژه ها را معمولاً به معنای اختار و آزمایش گرفته اند (مجمع البیان، ج 1، ص 372 و 439؛ ج 2، ص 422 و 147؛ ج 3، ص 417؛ ج 6، ص 311؛ المیزان، ج 4، ص 46 و 86 و 178)، هر چند در مواردی به معنای خاص تری به کار رفته است مثل: نعمت دادن (انفال: 17) (مجمع البیان، ج 4، ص 445 ذیل آیه 17 انفال) وقوع در محنت ها و شداید (همان، ج 2، ص 466، ذیل آیه 186 آل عمران)، پذیرش فنا و کهنگی (همان، ج 7، ص 63؛ المیزان، ج 14، ص 221 ذیل آیه 120 طه).

فلسفه و اهداف ابتلاء: می توان اهدافی سه گانه و در طول همدیگر برای ابتلاء تصویر کرد: 1. تمییز و شناسایی افراد؛ 2. سازندگی و پرورش استعدادها؛ 3. استحقاق پاداش و عقاب (المیزان، ج 4، ص 29-33؛ مجمع البیان، ج 2، ص 399-402).

تمییز به معنای عیان کردن خصوصیات و باطن اشخاص به صورت مشاهده پذیر، ملموس و مشخص است (التحقیق، ج 11، ص 246) که موجب تمایز عینی و کسب استحقاق جزا می شود. بنابراین تمییز دارای یک کارکرد صرفاً حکایت گرانه همچون توزین و اندازه گیری در آزمایش های بشری نمی باشد. شناسایی مجاهدان و شکیبایان (محمد: 31) و خداترسان (مائده: 94)، تمییز شاکران از ناسپاسان (نمل: 40)، تشخیص آخرت باوران (سبأ: 21) و جداسازی پاکان از ناپاکان (آل عمران: 179). برخی از مصادیق قرآنی این کارکرد ابتلاء است.

سازندگی و پرورش استعدادها که دومین هدف ابتلاء است از ابتلاء يك مکتب تربیتی تصویر می کند. صفا و خلوص (آل عمران: 141)، زنده شدن به حیات طیبه (نحل: 97)، روش بینی در اثر تقوا (انفال: 29)، تقرّب به خدا و کسب محبت او در اثر صبر (آل عمران: 146)، غفلت زدایی، خاصیت بازدارندگی، کاستن از غرور و نخوت، تحریک قوای راکد به سوی خلاقیت و رشد علمی، کفاره شدن برای گناهان، دل نبستن به دنیا و بازگشت به خدا و فطرت (بحارالانوار، ج 67). تنها برخی از آثار و مصادیق قرآنی و روایی این کارکرد ابتلاء است.

ترتیب پاداش و عقاب بر ابتلاء نیز از آن روست که حکمت خداوند اقتضا می کند که انسان ها را بر اساس علم خود به آنها و نیز آنچه در اندرون خود مخفی کرده اند مورد حساب قرار ندهد بلکه آنها را بر اساس اعمالشان بازخواست کند چنان که امام علی (علیه السلام) بر این مطلب تصریح می کند. (تفسیر کاشف ج 2، ص 126).

لزوم ابتلاء به عنوان فعل الهی را از راه های مختلف می توان نشان داد؛ از جمله:

- هر موجودی با توجه به استعدادها، مقدرات و هدفی که از خلقتش ملحوظ است کمال و غایتی دارد و خداوند متعهد شده که موجودات را به غایت خلقت و کمال نهایی آنها برساند (لیل: 13؛ اعلی: 3؛ طه: 50): و بدون آن، خلقت، باطل و بریده از غایت خواهد بود که به شدت مورد انکار خداست (احقاف: 3؛ دخان: 39؛ مؤمنون: 115)، و از طرفی انسان به گونه ای خلق شده که تنها در صورتی که در معرض یک سلسله افعال اختیاری ارادی برخاسته از اعتقادات نظری و عملی قرار گیرد به کمال نهایی و غایت خلقتش می رسد. در نتیجه ناگزیر باید با ابتلای الهی استعدادهاش به فعلیت برسد تا آنچه در وجودش پنهان است آشکار گردد و به سعادت یا شقاوت نایل شود. (المیزان، ج 4، ص 33-38).
 - مقصود اصلی از خلق، کمال آن است، زیرا اراده خداوند در اصل به کامل ترین چیز تعلق می گیرد، و موجودی بدان کمال دست می یابد که در جانب علم و عمل، به رشد نهایی برسد، و با توجه به رابطه ابتلاء و عمل، بدون ابتلاء، هستی، ابتر و ناقص می ماند. (همان، ج 10، ص 145 و ج 4، ص 13؛ تفسیر ملاصدرا، سوره سجده و حدید، ص 265؛ المبدأ والمعاد، ج 1، ص 335).
- از آنچه گذشت می توان امور ذیل را نتیجه گرفت:

- قلمرو ابتلاء از جهات مختلف عمومیت دارد: اسباب ابتلاء شامل هر آن چیزی می شود که انسان با آن مرتبط است اعم از اصل وجود و یا اجزاء وجودش (دهر: 2) و آنچه خارج از وجود او است مثل اموال و فرزندان (تغابن: 15)، زینت های زمین (کهف: 7)، همسران و عشیره و دوستان و جاه و مقام و اموری که در مقابل اینهاست (انبیاء: 35؛ فجر: 16؛ محمد: 4؛ اعراف: 163؛ انفال: 17؛ المیزان، ج 4، ص 36). چنان که در حدیث آمده است: ما مِنْ قَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ إِلَّا وَلَلَّهِ فِيهِ مَشِيَّةٌ وَقَضَاءٌ وَابْتِلَاءٌ (اصول کافی، ج 1، ص 152؛ بحار الأنوار، ج 5، ص 216). بنابراین خیرات و شرور هر دو وسیله امتحانند (شرح ابن میثم، ج 4، ص 272) و همان گونه که با دومی صبر بندگان آزموده می شود، با اولی شکر آنها محک زده می شود (مرآة العقول، ج 9، ص 321؛ تفسیر کبیر، ج 31، ص 170) بلکه

- امتحان با نعمت‌ها مشکل‌تر است. (میزان‌الحکمه، ج 7، ص 390؛ مجمع‌البحرین، ج 1، ص 247؛ مفردات‌راغب، ص 61). از این رو عمر می‌گفت: با ضربه آرموده شدیم و صبر کردیم ولی هنگامی که با سزای امتحان شدیم صبر نکردیم. و این همان چیزی بود که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را نگران کرده و می‌فرمود: همانا من بر شما از آزمایش به راحتی بیشتر از آزمایش به سختی می‌ترسم (همان).
- به لحاظ زمان نیز انسانها همواره در حال آزمایش اند و هیچ وقفه و تعطیلی ندارد. و به لحاظ افراد نیز هیچ انسانی مستثنا نیست (المیزان، ج 4، ص 37)، چنان که همه امت‌ها را هم شامل می‌شود (عنکبوت: 3). این مطلب را از عموم لفظ الناس در آیات ابتلاء (عنکبوت: 2؛ بقره: 214) هم می‌شود فهمید. چنان که قرآن از ابتلاء پیامبرانی همچون ابراهیم (علیه‌السلام) بقره: 124، موسی (علیه‌السلام) طه: 40، سلیمان (علیه‌السلام) (نمل: 40) و دیگر پیامبران سخن گفته است.
2. ابتلاء سنتی حتمی و غیر قابل‌نسخ است (المیزان، ج 20، ص 101؛ ج 14، ص 394)، و این امر علاوه بر صراحت آیات قرآنی (عنکبوت: 2 و 3؛ توبه: 16؛ آل عمران: 140) به دلیل اتکاف سنت عملی امتحان بر سنت تکوینی هدایت‌عامه است که بر خلاف هدایت‌خاصه، در هیچ شرایطی قابل‌نفی نیست و نسخ آن مساوی با فساد تکوینی خواهد بود (المیزان، ج 4، ص 37).
3. با توجه به نقش حقیقی و انحصاری ابتلاء در تحصیل عمل، و نقش حقیقی و انحصاری عمل در سعادت انسان، و قراردادی نبودن سعادت بشر، ضرورت نظام ابتلاء برای نیل به سعادت یا شقاوت انسان معلوم می‌گردد.
4. ابتلاء سنتی شکست‌ناپذیر است، زیرا امری است عام که گاهی به شکل ابتلای خاص و توفیق، و گاهی در صورت استدرج و محق و مکر و املاء ظاهر می‌شود (عنکبوت: 4؛ رد: 42؛ المیزان، ج 4، ص 34) و لذا نتیجه همسانی در همه موارد آن، منظور نیست.
5. ابتلاء دو نوع غایت‌دارد: غایت‌قریب، و غایت‌نهایی. غایت‌قریب، تمیز خوب از بد است (انفال: 37)، و غایت‌نهایی از برپایی نظام ابتلاء، جزا دادن هر کس بر اساس اعمالش می‌باشد (حائثه: 22؛ المیزان، ج 10، ص 144-146 و ج 19، ص 365؛ الکاشف، ج 2، ص 126).
6. امتحان‌های الهی باید به گونه‌ای باشند که بتوانند اطاعت و عصیان و دیگر صفات درونی را نشان دهند، و هر کسی را با هر سن و موقعیتی متناسب با شأن و موقعیت زمانی و مکانی وی فراگیرند. امام علی (علیه‌السلام) کیفیت خلقت آدم (علیه‌السلام) (برای امتحان فرشتگان) و هیئت موسی (علیه‌السلام) و هارون (علیه‌السلام) هنگام وارد شدن بر فرعون (برای امتحان فرعون) و مکان بنای کعبه (برای امتحان حاجیان) را متذکر می‌شود که قابلیت بروز صفات باطنی افراد مورد ابتلاء را دارند (نهج‌البلاغه، خطبه 192) و برای تناسب ابتلاء با موقعیت اشخاص می‌توان به این مثال‌ها اشاره کرد: امتحان علما با مرء، زهاد با ریا، تاجران با ربا، کارگران با کم‌کاری، لشکریان خسته و تشنه و آفتاب‌خورده طالوت با منع از خوردن آب، امتحان‌های مکرر و متعدد ابراهیم (علیه‌السلام) برای رسیدن به مقام خلّت، نبوت و امامت، حضرت یوسف جوان با فتنه زلیخا، و حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) پیر با ذبح فرزند.
7. علاوه بر این ویژگی‌ها، الطاف دیگری برای برپایی نظام ابتلاء لازم است:
- الف. الطاف عام قبل از امتحان مثل خلقت نشئه تکلیف و آراستن آن، خلقت شیطان و نیروهای وسوسه‌گر، خلقت انسان در دار تکلیف، هدایت تکوینی عام از طریق اعطای ابزار کمال مثل هدایت فطری (شمس: 8) نعمت‌های جوارحی (دهر: 2)؛ عقل و غریزه و وجدان، و شرایط‌گزینش آزاد (دهر: 3)، و هدایت تشریحی عام ابتدایی (دهر: 3)؛ عناصر روانی عام ابتدایی مثل تشویق و تهدید (دهر: 4 و 5؛ المیزان، ج 20، ص 133-134؛ هدایت در قرآن، ص 47 و 75
- ب. الطاف همزمان با ابتلاء مثل وجود راهنما در هر زمان (امدادهای غیبی، استمرار امامت و ولایت)، توفیقات خاص (الهامات فکری و آنچه در نیل به غایت ابتلاء، دست‌کسانی را که در مجرای هدایت‌خاصه هستند بگیرد)، و هلاکت کسانی که غایت ابتلاء در حقیقت باطل شده و مزاحم سیر عمومی سنت ابتلاء هستند.
- ج. الطاف مربوط به نوع امتحان؛ یعنی امتحان به گونه‌ای باشد که به نتیجه مورد نظر برسد و ایتر نباشد. در حدیث قدسی آمده است که خداوند برخی از بندگان مؤمن را با فقر یا بیماری می‌آزماید، چون تنها در این صورت امر دین آنها صلاح می‌یابد، و برخی را با غنا و سلامتی امتحان می‌کند چون صلاح دینشان در همین است. (تحف‌العقول کتاب تمحیص، باب 7، ص 115).
8. باور نداشتن به سنت ابتلاء و عدم توجه به آن، موجب غرور در مواجهه با نعمت‌های الهی و موجب یأس و خودباختگی در برابر ثروتمندان و قدرتمندان می‌گردد. (شرح نهج‌البلاغه ابن‌میثم، ج 4، ص 271؛ نهج‌البلاغه خطبه 192) اما ابتلاء باوری، اصالت را از نعمت و بلا می‌گیرد و به صبر و شکرگزاری می‌دهد، نگاه ما را به متاع دنیا آلی و نسبی می‌کند و بلا و نعمت حقیقی را می‌شناساند (جامع‌السعادات، ج 3، ص 275؛ کشف‌الأسرار، ج 7، ص 22). ابتلاء در قبال تمام اتفاقات و دقایق زندگی، فرصت می‌آفریند، وظیفه می‌سازد، به حوادث معنا می‌دهد و تکاپو می‌آفریند، خیر و شرّ و سعادت و شقاوت را به تفسیر می‌نشیند و به این محبت جنجالی پایان می‌دهد.
- ابتلاء و علم خداوند
- امتحان‌های الهی به انگیزه رفع جهل از ممتحن (خداوند) نیست. دلایل نقلی و عقلی فراوان بر عمومیت علم حضرت حق به گذشته و آینده، ظاهر و باطن، کلی و جزئی دلالت دارد (حجرات: 16؛ طه: 7؛ ملک: 13؛ نمل: 74؛ آل عمران: 154) ولی آیاتی در قرآن هست که توهم چنین انگیزه‌ای را نسبت به امتحان‌های الهی ایجاد می‌کند مثل آیه: (وَلَتَبْلُوَنَّهُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنكُمْ وَالصَّابِرِينَ) (محمد: 31) و آیات 138 آل عمران و 16 توبه. اندیشمندان اسلامی به دو صورت از این شبهه پاسخ داده‌اند:
1. منظور از علم، آخرین مرتبه علم خدا به اشیاء است که عین اشیاء می‌باشد. (مجمع‌البیان، ج 7، ص 428؛ المیزان، ج 20، ص 102؛ الکاشف، ج 2، ص 126).
 2. مراد این است که معامله کسی را می‌کند که امتحان‌گر است. (التبیان، ج 4، ص 339).
- بنابر پاسخ اول، اسناد ابتلاء به خداوند اسناد حقیقی است. اما اسناد ابتلاء به خداوند بنابر پاسخ دوم، مجازی است.

منابع

- (1) اصول‌الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب (م/328)، بیروت - لبنان؛
- (2) بحارالأنوار، المجلسی، مولی محمد باقر، احیاء‌الکتب‌الاسلامیه، قم، 1427هـ؛
- (3) التبیان فی تفسیر القرآن، الطوسی، محمد بن الحسن، احمد حبیب‌قصر‌العالمی، داراحیاء‌التراث‌العربی، بیروت، بی تا؛
- (4) تحف‌العقول، الحرّانی، ابن‌شعبه، الشیخ حسین‌الاعلمی، مؤسسه‌الاعلمی‌للمطبوعات، بیروت، 1423هـ؛
- (5) التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم، مصطفوی، حسن، مرکز نشر آثار‌العلامة‌المصطفوی، تهران، 1385ش؛
- (6) تفسیر القرآن‌الکریم، الشیرازی، صدرالدین محمد، محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم بی تا؛
- (7) التفسیر‌الکاشف، مغنیه، محمد جواد، دارالعلم‌للملایین، بیروت، 1990م؛
- (8) التفسیر‌الکبیر، رازی، فخرالدین، دارالکتب‌العلمیه، تهران، بی تا؛
- (9) جامع‌السعادات، نراقی، ملا محمد مهدی، سید احمد کلانتر، مؤسسه‌الأعلمی‌للمطبوعات، بیروت، 1408؛
- (10) شرح نهج‌البلاغه، البحرانی، ابن‌میثم، جمعی از فضلاء، دارالآثار‌دار‌العالم‌الاسلامی، بیروت، بی تا؛
- (11) العین، الخلیل، احمد، طبع افسست ایران؛
- (12) الفروق‌اللغویه، ابوهلال‌العسکری، مؤسسه‌النشر‌الاسلامی، قم، 1426هـ.ق؛
- (13) کشف‌الاسرار و عدّه‌الابرار، مبینی، رشیدالدین، علی اصغر حکمت، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، 1382؛

- (14) لسان العرب ، ابن منظور ، جمال الدين ، دار صادر ، بيروت ، بى تا ؛
- (15) المبدأ والمعاد ، الشيرازى ، صدرالدين محمد ، دكتور محمد ذبيحى ، انتشارات بنياد حكمت ملاصدرا ، تهران ، 1381ش ؛
- (16) مجمع البحرين ، الطبرسى ، الفضل بن الحسن ، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات ، بيروت ، 1415ق ؛
- (17) مجمع البيان فى تفسير القرآن ، الطريحي ، فخرالدين ، دفتر نشر فرهنگ اسلامى ، تهران ، 1378ش ؛
- (18) مرآة العقول ، مجلسى ، محمداقبر ، سيد هاشم رسولى ، دارالكتب الاسلاميه ، تهران ، 1404هـ ؛
- (19) المعجم الوسيط ، جمعى از مؤلفين ، مؤسسة الصادق للطباعة والنشر ، تهران ، 1426ق ؛
- (20) معجم مقاييس اللغة ، ابن فارس ، مصر ، 1390ق ؛
- (21) المفردات فى غريب القرآن ، الراغب الاصفهانى ، انتشارات ذوى القربى ، قم ، 1382ش ؛
- (22) ميزان الحكمه ، محمدى رى شهرى ، محمد ، حميد رضا شىخى ، دارالحديث ، سوم ، قم ، 1377ش ؛
- (23) الميزان فى تفسير القرآن ، طباطبائى ، محمد حسين ، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات ، بيروت ، 1417هـ ؛
- (24) النهاية فى غريب الحديث والأثر ، ابن اثير ، مجد الدين ، طاهر احمد الزاوى ، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان ، قم ، 1364ش ؛
- (25) نهج البلاغه ترجمه دشتى ؛
- (26) نهج البلاغه ترجمه شيروانى ؛
- (27) هدايت در قرآن ، جوادى أملى ، عبدالله ، على زمانى قمشه اى ، مركز نشر اسراء ، قم ، 1381ش.؛
داود فتح الله زاده و عبدالرحيم سليمانى بهبهانى